



• در آمدی بر کلام جدید  
• هادی صادقی  
• کتاب طه و نشر معارف (قم)، چاپ اول، ۱۳۸۲



معرفی و نقد کتاب

# آمدی بر کلام جدید

• مولی الله عباسی

مهمی مواجه است و این دشواری‌ها از چند جهت ناشی می‌شود که عبارت‌اند از: (۱) جدید بودن سؤالات و زمینه‌های پژوهش و مهیا نبودن پاسخ‌های مستحکم و مناسب؛ (۲) وارداتی بودن بسیاری از مسائل جدید کلامی و ناآشنایی فرهنگ بومی ما با پاره‌ای مفاهیم و تعبیر و اصطلاحات مطرح در آنها؛ (۳) ابتدای بسیاری از مباحث بر مبانی فلسفه جدید؛ (۴) غلبه گرایش‌های لادری‌گرانه و الحادی در سؤالات و پرسش‌های جدید؛ (۵) کمبود منابع روزآمد و اصیل در علم کلام به دلیل رکود چند قرنه این علم.

با توجه به این مشکلات و نیازهای فرهنگی جامعه به ویژه نسل جوان، تلاش شده است تا در این کتاب مسائل زیر رعایت شود:

۱. موضوعاتی بحث و بررسی شده‌اند که یا جزء نیازهای حتمی دانش‌پژوهان این رشته، یا جزء پرسش‌های مطرح در جامعه است. از طرح موضوعات صرفاً آکادمیک خودداری شده است.
۲. در طرح مباحث به جنبه‌های عاطفی، اخلاقی و پرورش‌دهنده آنها

اهمیت کلام جدید، به لحاظ دینی یا به عنوان یک علم، و پویایی آن در برخورد با اندیشه‌های نو، موجب شده است این علم به یکی از درس‌های مهم حوزه و دانشگاه بدل شود. بدیهی است کامیابی در آموزش مطلوب این علم به دانشجویان و طلاب علوم دینی، مرهون عوامل متعددی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به متون آموزشی کارآمد و مناسب اشاره کرد. کتاب در آمدی بر کلام جدید، که به منظور ارائه متن آموزشی برای فراگیران کلام جدید در سطح متوسط و عموم علاقه‌مندان به مباحث جدید کلامی نگاشته شده است، از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است که در این نوشتار به آنها اشاره خواهیم کرد.

نویسنده کتاب در «پیش‌گفتار» پس از متذکر شدن اهمیت دانش کلام، به ویژه مباحث جدید کلامی و تأکید بر ایجاد و گسترش حوزه کلامی در کنار سایر شاخه‌های علوم اسلامی، معتقد است که هرگونه تألیفی در زمینه مسائل جدید کلامی یا حساسیت‌ها و دشواری‌های

دینی» در مجله نقد و نظر، و فصل‌های «طبیعت‌گرایی»، «حصرگرایی»، «شمول‌گرایی» و «کثرت‌گرایی» در کتاب پلورالیسم: دین، حقیقت، کثرت به چاپ رسیده که نویسنده محترم با کسب اجازه از ناشر و تغییرات جزئی در آنها مورد استفاده قرار داده است. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم کتاب که آن را در بین کتاب‌های کلامی معاصر برجسته‌تر کرده است، علاوه بر انسجام، اتقان و ساختار منطقی آن، بیان روان، روشن و قابل فهم مؤلف است. خصوصیت دیگر کتاب، زبان محجوب و قلم عقیف نویسنده آن است. در عین صلابت و زیبایی قلم، از خامه مؤلف چیزی جز برهان برای فهمیدن و مباحثه نمی‌تراود. وجود پاره‌ای ملاحظات تطبیقی، گزینش مناسب موضوعات کلامی و نوآوری در روش و طرح بیشتر مباحث، مراجعه به برخی منابع دست‌اول، تبیین و تحلیل شفاف و روشن موضوعات و سپس نقد عالمانه دیدگاه‌های مخالف، احتراز از نقل قول مستقیم (مگر در موارد ضروری) و یکدست‌بودن مطالب، استخراج آیات، غفلت نکردن از رویکردها و رهیافت‌های مختلف در تبیین، تنسیق و توجیه اندیشه دینی و طرح برخی مباحث و مسائل جدید (که نوعاً از ذکر چنین مباحثی در کنار سایر مباحث کلامی غفلت ورزیده می‌شود)، به علاوه منضم شدن چکیده مطالب هر فصل و تنظیم و ارائه پرسش‌هایی متناسب با هر بخش در انتهای آن، بر جذابیت کتاب افزوده و آن را به یک متن آموزشی مناسب تبدیل کرده است.

همچنین یکی دیگر از امتیازات این اثر، وقوف به میراث گرانبار تفکر سنتی و پیشینه مسائل کلامی در کنار مواجهه همدلانه با مسائل نوین است. به تعبیر دیگر، نویسنده کتاب ضمن این که به مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی کلام جدید توجه می‌کند خود را از میراث غنی تفکر کلامی گذشتگان و تجارب و اندوخته‌های علمی اندیشمندان پیشین، منقطع و محروم نمی‌سازد. به طوری که خود را هم از آفت «سنت‌زدگی» و هم «سنت‌زدایی» (تجددزدگی) مصون نگه می‌دارد. عدم وقوف به تمایز معرفتی کلام جدید و فلسفه دین و یکسان‌انگاری آن دو یکی از آسیب‌های روش‌شناختی اندیشه کلامی و دین‌شناختی معاصر است که نویسنده کتاب در همان ابتدای کتاب (مدخل) به آن توجه کرده و بر تفکیک آن دو تأکید می‌ورزد.

البته اگر نویسنده، موضوعات دیگر کلام جدید مانند علم و دین، هرمنوتیک، قلمرو دین و غیره را مطرح می‌کرد، بر غنای کتاب

توجه شده است. از طرح ریاضی‌وار مباحث به شیوه‌های خشک مدرسی اجتناب شده است و سعی شده تا در کنار استحکام مطالب، در حد توان به شیرینی و پیوستگی مطالب نیز توجه شود.

۳. کسانی که با الهیات و فلسفه جدید آشنا هستند به خوبی می‌دانند که در بسیاری موارد، الهی‌دانان و فیلسوفان بیش از دغدغه اثبات نظام فکری خود، دغدغه تبیین و توصیف آن را دارند. این امر نشان‌دهنده اهمیت ترسیم درست یک نظام فکری است، هر چند در پذیرش هر نظامی باید به استدلال‌های نظریه‌پرداز توجه داشت. لذا در این کتاب به هر دو بخش توصیف و استدلال بهنا داده شده است. بخش‌هایی از مباحث عهده‌دار توصیف خوب، قابل فهم، جذاب، پاسخ‌گو به نیاز مخاطب و... از معارف دینی است و بخش‌هایی عهده‌دار توجیه عقلانی آنها و نقد و ارزیابی اندیشه‌های غیردینی یا غیراصیل. در هیچ مبحثی جانب انصاف فروگذار نشده است و تنها ادله موافق و مخالف مدنظر بوده است.

۴. کلام در روزگار ما با جوانب پرشماری از زندگی انسان ارتباط پیدا کرده است و از همین رو مسائل جدید کلامی فهرستی طولانی از مباحث را به خود اختصاص می‌دهند. به دلیل اینکه این کتاب در پاسخ به اعلام نیاز برخی مراکز محترم آموزشی تدوین شده است و باید در حجم محدودی تدوین می‌یافت، چاره‌ای جز گزینش از میان مسائل مختلف کلامی نبود. لذا از طرح بسیاری مسائل مهم در این مختصر چشم‌پوشی شده و مباحث مهم‌تر یا مورد سؤال مطرح شده است.

۵. این کتاب برای دوره‌های متوسط آموزشی طلاب و دانشجویان و جوانان پرسش‌گر و مردم فرهنگ‌دوست و اهل مطالعه تدوین شده است. تلاش شده، تا مطالب کامل و روشن آفای شود، اما به هر حال کتاب درسی نیازمند استاد است. اگر مباحث به‌طور مشروح و با قابلیت خودآموزی تدوین می‌گردید، حجم کتاب به سه برابر افزایش می‌یافت و از درسی بودن خارج می‌شد.

۶. مباحث کتاب همه در یک سطح نیست. پاره‌ای مباحث به دلیل نوع بحث پیچیده‌اند. فصل‌های عقل و ایمان، خدا و تجربه دینی، شر و قدرت مطلق، صفات یا ذات، به دلیل ناگزیر بودن از طرح مسائل معرفت‌شناختی و فلسفی، از بقیه فصل‌ها مشکل‌ترند.

شایان ذکر است که فصل‌های «دین و اخلاق» و «اخلاق دینی و اخلاق سکولار» پیش از این در مجله قبسات و فصل «خدا و تجربه

دارند.

فصل سوم این بخش «گزاره‌های دینی: بامعنا یا بی‌معنا» نام گرفته است. معناداری گزاره‌های دینی که همواره مورد قبول فیلسوفان و متکلمان بوده است در ابتدای قرن بیستم از سوی پوزیتیویست‌های منطقی محل تردید واقع شد. آنها با طرح اصل تحقیق‌پذیری مدعی شدند که تنها گزاره‌هایی معنا دارند که قابل تحقیق تجربی باشند. بعدها به دلیل مشکلات اصل تحقیق‌پذیری، اصل تعدیل شده تأییدپذیری و سپس اصل ابطال‌پذیری مطرح شد. مطابق اصل اخیر مدعیات دینی توسط هیچ اوضاع و احوالی تن به ابطال نمی‌دهند و لذا فاقد معنا هستند.

اساس استدلال پوزیتیویست‌ها مبتنی بر سه مقدمه است که هر سه مقدمه در این فصل نقد و ارزیابی شده‌اند. فصل آخر این بخش تحت عنوان «شریعت: صامت یا ناطق؟» به بحث از تفسیرپذیری و تحول‌پذیری متن اختصاص یافته است.

نویسنده کتاب، درباره رابطه لفظ با معنا دو نظریه را مطرح می‌کند: (۱) نظریه آبستنی و (۲) نظریه گرسنگی. در نظریه آبستنی معنا که با فهم متعارف نیز سازگار است، الفاظ دارای معنا هستند (البته پس از اینکه وضع صورت پذیرفته باشد) و وظیفه مخاطب بیرون کشیدن معنا از دل لفظ (به کمک قراین و شواهد) است. اما در نظریه گرسنگی معنا، الفاظ در انتظار آنگذ که مخاطب در پرتو نظریه‌های علمی عصر خود معنای عصری را در آنها بدمد. بر اساس همین نظریه، گفته می‌شود شریعت «صامت» است و ما باید آن را به کمک دانش‌های تجربی هر عصر به سخن در آوریم.

نویسنده سپس به نقد این نظر پرداخته و معتقد است که بر اساس نظریه شریعت صامت، در واقع انسان هدایت‌گر متن خواهد بود نه بر عکس. در بخش دوم کتاب به بحث از رابطه «انسان و خدا» پرداخته شده است. بخش اول این فصل به این موضوع اختصاص یافته است که چه تفاوتی در نگرش سنتی و نگرش عصر جدید نسبت به انسان وجود دارد؟ گاه گفته می‌شود که ویژگی عصر جدید این است که همه چیز حتی دین در خدمت انسان است، در حالی که در اندیشه‌های سنتی انسان برای دین است.

فصل دوم این بخش تحت عنوان «تکلیف: زحمت یا رحمت؟» به این بحث می‌پردازد که اگر خدا مهربان و رحیم است چرا بر بندگان خودش تکلیف گذاشته که موجب رنج و زحمت آنها در دنیا و عذاب آنها در آخرت باشد؟

برای پاسخ به این سؤال باید تصاویر مختلفی که در اندیشه اسلامی از خدا وجود دارد بررسی شود. سه تصویر از خداوند در اندیشه‌های اصیل وجوددارد که مطابق آن سه نوع دینداری: عامیانه، عاقلانه و عاشقانه پدید می‌آید. میان این سه نوع دینداری تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله:

۱) اولی از سر ترس و دومی از سر سنجش عقلانی و سومی از سر شوق است.

می‌افزود. همچنین کاستی‌های دیگری در کتاب به چشم می‌خورد که امید است در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف شود.

کتاب دارای یک مدخل و سه بخش اصلی و بیست و چهار فصل است. مدخل در یک فصل به توضیحی درباره کلام، فلسفه، الهیات، فلسفه دین و کلام جدید اختصاص یافته است. از دیدگاه مؤلف، کلام علمی است که به استنباط، توضیح، تنظیم و توجیه عقاید اسلامی می‌پردازد. بر این اساس، متکلم چهار وظیفه اصلی دارد: ۱) استنباط عقاید اسلامی؛ ۲) توضیح و تفسیر آنها؛ ۳) تنظیم آنها و ۴) موجه ساختن (به معنای معرفت‌شناختی کلمه) آنها. وی در ادامه به تعریف فلسفه و فلسفه دین پرداخته و بر تمایز معرفتی این سه تأکید می‌ورزد. فلسفه دین یکی از شاخه‌های فلسفه - و نه کلام - است که به ارزیابی عقلانی پیش‌فرض‌های عمومی ادیان و مسائل مشترک آنها می‌پردازد. تلقی‌های مختلفی از کلام جدید وجود دارد. در اینجا مؤلف بدون اینکه وارد مناقشات طرفداران و مخالفان کلام جدید بشود، به پاره‌ای امور که موجب پیدایش تازگی‌هایی در کلام شده اشاره می‌کند: ۱) استفاده از علوم و معارف جدید در فهم و القای دین، ۲) پرسش‌ها و پاسخ‌های جدید، ۳) استفاده از مفاهیم متفاوت؛ ۴. توجه به جنبه‌های زمینی دین.

بخش اول در چهار فصل تنظیم شده که به مباحث معرفت‌شناسی دینی اختصاص دارد. در این فصل‌ها بر عقلانیت معارف دینی و قداست آنها، معناداری گزاره‌های دینی و ناطق بودن شریعت استدلال شده است.

در فصل اول این بخش تحت عنوان «عقل و ایمان» که دشوارترین فصل کتاب است، دیدگاه‌های مهم معرفت‌شناسی ایمان ارزیابی شده است. رابطه عقل و ایمان از مهم‌ترین مسائل مورد توجه فیلسوفان و متکلمان است. در پاسخ به نسبت این دو، سه نظریه مطرح شده است: الف) ایمان‌گرایی که بر اساس آن، نظام اعتقادات دینی را نمی‌توان سنجش عقلانی کرد و لذا فرد ایمان‌گرا برای تأیید عقایدش به دلیل متوسل نمی‌شود. ایمان‌گرایی خود به دو نوع افراطی (کرک‌گور) و معتدل (ویتگنشتاین) تقسیم می‌شود. ب) عقل‌گرایی حداکثری؛ مطابق این دیدگاه تنها قضیه‌ای را عقلا می‌توان پذیرفت که صدق آن برای همه عقلا در همه زمان‌ها و مکان‌ها اثبات شده باشد.

ج) عقل‌گرایی معتدل؛ این دیدگاه مبتنی بر عقل سلیم و متعارف است و در مقابل دو نظریه پیشین قرار گرفته است. در این فصل، مشکلات ایمان‌گرایی افراطی و ایمان‌گرایی معتدل و همچنین عقل‌گرایی حداکثری بیان شده است.

در فصل دوم این بخش «عقلانیت مقدس» این اعتقاد که عقلانیت و تقدس جمع‌ناشدنی (پارادوکسیکال) اند، نقد و بررسی شده است. در ابتدا، معانی عقلانیت، تقدس و انواع عقلانیت و ویژگی‌های امر مقدس بیان شده است. نویسنده معتقد است که معارف دینی دو دسته‌اند: یک دسته معارف محکم و لایتغیرند که چون و چرادر آنها نیست، دسته دیگر معارف ظنی و تفسیرناپذیرند که قداستی نسبی



۲) اولی تکلیف‌گریز، دومی تکلیف‌پذیر و سومی تکلیف‌طلب است و....

هر چند هر سه تصویر فوق از نوع دینداری اصیل است اما این خطر وجود دارد که دینداری عامیانه به تقدس‌مآبی کشیده شود. در هر حال تصویری که تجددگرایان از دین عرضه می‌کنند در ردیف تصاویر اصیل از دینداری نیست.

«غنی یا فقیر» یا (واجب و ممکن) عنوان فصل سوم این بخش است که به بحث از دلایل اثبات وجود خدا می‌پردازد. براهین اثبات وجود خدا شش دسته‌اند: ۱) برهان‌های نظم و اتقان صنع (غایت‌شناسی)، ۲) برهان‌های وجوب و امکان (جهان‌شناختی)، ۳) برهان‌های وجودی؛ ۴) برهان‌های اخلاقی، ۵) برهان‌های مبتنی بر تجربه دینی، ۶) برهان‌های مبتنی بر مجموعه قرائن.

برهان‌های نوع اول در اغلب کتاب‌های اعتقادی بحث می‌شوند. برهان‌های نوع سوم کمی پیچیده‌اند، در عین حال نامعتبرند؛ زیرا تمام آنها مرتکب مغالطه خلط مفهوم و مصداق می‌شوند. نوع ششم هم در واقع چیزی اضافه بر پنج نوع قبلی ندارد. و لذا نویسنده درباره برهان وجوب و امکان بحث می‌کند. البته برهان‌های نوع چهارم و پنجم را در فصل‌های بعدی بحث و بررسی می‌کند.

«خدا و تجربه دینی» عنوان فصل بعدی این بخش است. نویسنده در ابتدای این فصل به اهمیت فصل تجربه دینی و رابطه آن با دیگر مسائل حوزه دین، تفاوت آن با بصیرت دینی و اعمال خارق‌العاده را بیان می‌کند. و سپس به چیستی و ماهیت تجربه دینی می‌پردازد. درباره سرشت تجربه دینی چند نظریه وجود دارد، که عبارت‌اند از:

الف) برخی فلاسفه آن را نوعی احساس و عاطفه می‌دانند. (شلایر ماخر، ارنست کاسیرر، رودلف آنو و یواخیم واخ).

ب) عده‌ای آن را از سنخ تجربه‌های حسی به‌شمار می‌آورند (ویلیام آستون، همچنین اقبال لاهوری).

ج) دسته‌ای دیگر معتقدند تجربه دینی در نظر تجربه‌گر تبیینی مافوق طبیعی دارد اما می‌توان برای آن تبیینی طبیعی یافت (پراودفوت).

د) گروهی معتقدند تجربه دینی واقعاً تبیینی مافوق طبیعی دارد. نویسنده پس از تبیین هر دیدگاه، به نقد و بررسی آن می‌پردازد. آخرین موضوع این فصل، پایه بودن تجربه دینی برای اثبات وجود خداست. بنا به نظریه اول و سوم این کار امکان‌پذیر نیست، اما بنا به دیدگاه دوم و چهارم می‌توان استدلالی بر وجود خدا اقامه کرد، هر چند که احتمال خطا در دیدگاه دوم وجود دارد.

فصل بعدی این بخش با عنوان «صفات یا ذات» به این نکته می‌پردازد که آیا خدایی جدای از صفات وجود دارد که متعلق پرستش‌ها واقع شود یا اینکه آنچه ما می‌پرستیم همان اوصاف کامل است؟ نویسنده این فصل را با سخنی از فوئرباخ فیلسوف ملحد آلمانی مبنی بر اینکه خدایی وجود ندارد، شروع می‌کند و در ادامه به نقد و ارزیابی آن می‌پردازد. و در پایان این فصل به این نتیجه می‌رسد که: «چیزی

به‌نام خداوند وجود دارد، و ما واقعاً خود او را دوست داریم و او را می‌پرستیم، نه مجموعه‌ای از اوصاف را...» فصل آخر بخش دوم از کتاب حاضر به بحث درباره «شر و قدرت مطلق» می‌پردازد. در بررسی مسئله شر میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ مسیحی تفاوت وجود دارد. در فرهنگ اسلامی شر متضاد با عدل الهی مشاهده می‌شود، اما در فرهنگ مسیحی میان وجود شر و خیرخواهی خدا تقابل دیده می‌شود. جی.ال. مکی فیلسوف ملحدی است که با توسل به وجود شر، وجود خدا را نفی می‌کند. در این فصل پس از تبیین شبهه شر (از دیدگاه مکی)، همه مقدمات این برهان مورد خدشه واقع شده است. بخش سوم کتاب به پیامبری و دین و مسائل مرتبط با دین همچون تعدد ادیان، دین و اخلاق و وحی و تجربه دینی و پاسخ به شبهات مطرح شده در این زمینه‌ها اختصاص یافته است. این بخش مشتمل بر یازده فصل است.

فصل اول این بخش با عنوان «پیامبری» دو تلقی عمده در باره پیامبران را مطرح می‌کند: در یک تلقی که محصول عصر جدید است، پیامبران عارفانی هستند که دغدغه اصلاح جمع دارند و تنها به نجات خود نمی‌اندیشند. در تلقی دیگر، که در میان اغلب ادیان عمومیت دارد، پیامبران اشخاص برجسته‌ای هستند که از سوی خدا مأموریت اصلاح خلق را دارند. در این فصل پس از بیان تفاوت‌های دو دیدگاه فوق و همچنین ذکر مشابهت‌های میان عارفان و پیامبران، دیدگاه نخست نقد شده است.

«پایان پیامبری» فصل بعدی است که خاتمیت را تجزیه و تحلیل می‌کند. از جمله قرائت‌های جدید، تلقی اقبال لاهوری درباره خاتمیت است. نویسنده در این فصل، بعد از بررسی مفهوم و معنای وحی، و دیدگاه آسمانی و زمینی وحی به بحث از یکسان‌انگاری وحی و تجربه دینی و نقد و بررسی آن می‌پردازد. به نظر مؤلف، تفاوت‌هایی بین وحی و تجربه دینی و عرفانی وجود دارد که یکسان‌انگاری را به کلی طرد می‌کند. این تفاوت‌ها عبارت‌اند از: ۱. جهت‌نیافتگی وحی از فرهنگ زمانه، ۲. روشنی و تفصیلی بودن وحی، ۳. اطمینان‌بخشی وحی، ۴. شریعت‌آفرینی وحی، ۵. دخالت‌نداشتن بشر در وحی، ۶. تفاوت وحی با سایر کلمات پیامبر، ۷. ارائه اخبار گذشتگان و آیندگان، ۸. نداشتن اختلاف و تناقض. هر یک از این تفاوت‌ها به تفصیل ذکر شده‌اند.

فصل چهارم بخش حاضر، بحث در باره ارتباط «دین و اخلاق» است. این فصل پس از بررسی معانی مختلف «دین»، «اخلاق» و «اخلاقی» و همچنین تفاوت این بحث با بحث اخلاق دینی و اخلاق سکولار، به بحث از اهداف دین و اهداف اخلاق و مقایسه این دو می‌پردازد. مناسبات دین و اخلاق را از منظرهای متفاوتی می‌توان نگریست. از یک منظر می‌توان ارتباط این دو را در دو دسته کلی: الف) نیازها و وابستگی‌های دین به اخلاق؛ ب) نیازهای اخلاق به دین، جای داد.

«اخلاق دینی یا اخلاق سکولار» عنوان بعدی بخش سوم است.

بیشترین بهره را از آن حقیقت مطلق دارد؛ زیرا سند اسلام، قرآن است که دستخوش هیچ تحریفی نشده و کلام ناب الهی است و هر چه بیشتر به فهم قرآن نایل آییم به حقیقت مطلق نزد خدا نزدیک‌تر می‌شویم.

بخش چهارم کتاب، شامل مسائل امامت، ولایت، مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، در دو فصل تنظیم شده است که در آن دیدگاه‌های مطرح در زمینه امامت و قرائت‌های جدید به ظاهر شیعی و باطناً همسو با نگرش‌های اهل سنت به مسئله امامت و رهبری، بررسی شده‌اند و در پایان به هشت مورد از شبهات و ولایت مطلقه فقیه پاسخ داده شده است.

همان‌طور که در ابتدای این نوشتار گفتیم، کتاب در آمدی بر کلام جدید امتیازهای فراوان و ارزش علمی خوبی دارد و با نثر روان و زیبایی تدوین شده است. اما دارای کاستی‌هایی است که بهتر است در چاپ‌های بعدی برطرف گردد.

۱. فقدان برخی موضوعات که امروزه در فلسفه دین و به تبع آن در الهیات نوین و کلام جدید، مهم تلقی می‌شوند و جا داشت که مؤلف محترم (حداقل پاره‌ای از این مباحث را که در فرهنگ اسلامی ما چالش‌هایی ایجاد کرده‌اند) به صورت مستقل بحث و بررسی کند.

۱.۱. کلام علمی تغذیه‌کننده است و متکلم به دلیل وظایف و تعهداتی که در قبال دین دارد، نسبت به علوم و دانش‌های بشری مثل علوم تجربی، تاریخی، فلسفی و غیره به خصوص حوزه‌های مختلف دین‌پژوهی (اعم از جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین، فلسفه دین و...) بی‌تفاوت نیست و هر چیزی که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، تاریخی و فلسفی در باب دین می‌شود، موضع مشخصی اتخاذ می‌کند. البته این تأثیرپذیری یک سویه نیست، بلکه همان‌طور که کلام از این علوم استفاده می‌نماید و از آنها تأثیر می‌پذیرد، می‌تواند (حداقل) بر برخی از آنها تأثیر بگذارد (تغذیه متقابل). در میان دانش‌های یاد شده، فلسفه دین اهمیت مضاعفی برای کلام دارد و این دو به سبب تعاملات مشترکی که دارند برای همدیگر مسئله‌آفرینی می‌کنند و همچنان که نویسنده محترم متذکر شده‌اند مسائلی که موجب نو شدن کلام می‌شود، تا حد زیادی از رابطه فلسفه و کلام ناشی می‌شود؛ از سویی فلسفه دین عهده‌دار بررسی و ارزیابی عقلانی پیش‌فرض‌های عمومی ادیان است که در کلام سنتی‌بدین نحو نبوده است، از سوی دیگر فلسفه دین ناظر به علم کلام و الهیات است و لذا در بیشتر مباحث با هم مشترک‌اند (البته این سخن به معنای تحویل کردن کلام به فلسفه دین نیست و با دوگانگی آن دو منافاتی ندارد). بنابراین، کلام جدید به دو معنا وامدارفلسفه دین است و متکلم معاصر درمقابل تحقیقات فیلسوفان دین دو موضع اقبال و انکار را پیش می‌گیرد: اگر این آراء مخالف با آموزه‌های دینی و مبانی اعتقادی باشد این مسائل رابه عنوان «شبهه» نگر بسته و درصدد انکار و رد آن برمی‌آید، و اگر موافق با تعالیم دینی و مؤید آنها باشد، این یافته‌ها به منزله مبانی یا مقدمات ادله کلامی

چرا التزام به اخلاق دینی در جامعه کم است؟ آیا دلایل زیر دخالتی در این امر ندارند: تکلیف‌مدار بودن اخلاق دینی، مصلحت‌اندیشانه بودن آن، با خودبیگانه کردن انسان، متغیر بودن جهان و ثابت بودن اخلاق دینی، تشنگت آور بودن اخلاق دینی، تقسیم‌بندی خودی و غیر خودی، مبتنی بودن بر اموری متعالی و غیرتجربی مانند خدا، بهشت، دوزخ و مانند آن؟

این هفت مسئله دلایلی هستند که غیرمتدینان برای عدم التزام به اخلاق دینی ذکر کرده‌اند که نویسنده آنها را به اختصار بررسی می‌کند.

نویسنده پس از نقد و بررسی دلایل غیرمتدینان برای التزام نیافتن به اخلاق دینی، دلایل واقعی این مسئله را موارد زیر معرفی می‌کند: ۱) گسترش نیافتن دانش اخلاقی، ۲) نپرداختن عالمان دینی به مقوله اخلاق و بسنده کردن به مقوله فقه و تکلیف، ۳) از یاد رفتن روح اصلی دین که ساختن شخصیت انسان است نه اصلاح رفتار؛ ۴) سست شدن ایمان دینی، ۵) حاکمیت نگرش تسامح در ادله سنن، ۶) بنیاد یافتن دانشگاه‌ها بر علم سکولار، و...

فصل ششم به بحث از محدود بودن یا محدود نبودن حوزه ایمان می‌پردازد «دین در محدوده معبود». در ابتدای فصل حاضر به تفاوت بحث حاضر با بحث از قلمرو دین اشاره شده و سپس به تعریف انسان مذهبی و غیرمذهبی (عصر جدید) و بحران‌های انسان غیرمذهبی پرداخته شده است. «دین‌دنبوی شده یا دنیای دینی» عنوان فصل بعدی نوشتاری است که به بحث از رابطه دین و دنیا می‌پردازد و این‌که رویکرد امروزه بشر به دین و معنویت چه تفاوتی با گذشته دارد. انواع تلقی‌های گوناگونی که امروزه از دین وجود دارد، در پنج دسته جای دارد که در این فصل به اختصار بررسی می‌شود. این پنج رویکرد عبارت‌اند از: ۱) دین ابزاری، ۲) دین احساسی یا خصوصی، ۳) دین فرهنگی، ۴) دین تشریفاتی، ۵) دین صامت.

دین اصیل، دیدگاهی است که در این فصل از آن دفاع شده است. برخی ویژگی‌های آن از این قرار است: مختص انسان حق‌جو، دگرگون‌کننده هستی آدمی، دغدغه وجودی انسان نه مشغله فنی او، جامع بودن، منبع زایش ارزش‌ها و... آیا دین ساخته و پرداخته انسان و جامعه است؟ آیا رستگاری، نجات و صدق‌تنها در یک دین متصور است؟ آیا ادیان دیگر نمی‌توانند مایه نجات آدمی بشوند؟ آیا نمی‌توان گفت که همه ادیان، حق و صادق‌اند؟

سوالات فوق، به خصوص سؤال چهارم، یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه دین معاصر و همچنین کلام جدید است که چالش‌های زیادی را در این حوزه‌ها پدید آورده است. و به این علت، چهار فصل آخر از بخش سوم کتاب به بحث از سوالات فوق با عنوان‌های «دین و طبیعت‌گرایی»، «حصرگرایی»، «تحول‌گرایی» و «کثرت‌گرایی» اختصاص یافته است.

نویسنده در پایان بحث نتیجه می‌گیرد که حقیقت مطلق تنها یکی است و دین نزد خدا فقط اسلام است و آن چه نزد ما مسلمانان است

تلقی می‌شوند. حال با این تحلیل از رابطه کلام و سایر علوم و به خصوص فلسفه دین به طرح موضوعاتی می‌پردازیم که در کتاب فوق از آنها غفلت شده است:

۱.۲. امروزه مسئله معنایابی و «هرمنوتیک» به عنوان رشته‌ای نوظهور در حوزه تفکر مغرب زمین، برای انسان مدرن اهمیت ویژه‌ای دارد و این اهمیت در عرصه دین و متون دینی دو چندان است. تفکر دینی و کلامی معاصر شاهد طرح پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی است که برخی از آنها ریشه در هرمنوتیک دارد و لذا تعامل و چالش با مباحث این شاخه معرفتی نیاز مبرم حوزه و دانشگاه، به خصوص اندیشه‌وران دینی و متکلمان معاصر است. امکان ارائه قرائت‌های مختلف و نامحدود از دین، تاریخ‌مندی و زمان‌مندی فهم و سیال بودن و تغییر مستمر آن، مشروعیت بخشیدن به ذهنیت مفسر و تجویز دخیل دانستن آن در تفسیر متن و تأثیرپذیری فهم دینی از پیش‌فرض‌ها و انتظارات مفسر، گوشه‌ای از مباحث نوی است که در این حوزه مطرح شده و ریشه در تأملات هرمنوتیکی (و البته بیشتر در هرمنوتیک فلسفی بار رویکرد گادامری آن) دارد. اهمیت هرمنوتیک معاصر در تفکر دینی از این جهت است که: اولاً، پاره‌ای از مباحث هرمنوتیک، معطوف به تفکر فلسفی درباره فهم به‌طور مطلق است که دامنه آن، معرفت دینی و فهم و تفسیر متون دینی را نیز در برمی‌گیرد و در نتیجه میان مباحث هرمنوتیک و معرفت دینی پیوند ایجاد می‌کند.

ثانیاً ادیان ابراهیمی (به‌ویژه اسلام) مبتنی بر وحی و کلام الهی‌اند که در کتب مقدس متبلور شده‌اند و لذا پیوند عمیقی میان فرهنگ دینی و مقوله تفسیر متون دینی وجود دارد و این امر موجب آن است که ارائه نظریات نو در زمینه تفسیر و فهم متون شیوه رایج و مقبول تفسیر متن را به چالش بکشد و عالمان دینی را با پرسش‌های جدید رو به رو سازد و بر مقوله معرفت دینی تأثیر بگذارد.

۱.۳. موضوع «علم و دین» در اندیشه دینی معاصر جایگاه خاصی دارد، به طوری که بخشی از کتب فلسفه دین و الهیات را به خود اختصاص داده است. به گفته پلانتینگا یکی از شگفت‌ترین پیشرفت‌های فکری در چهارصد سال اخیر، خیزش علوم جدید بوده که زندگی ما را (چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی) دگرگون کرده است. و به گفته باریور، در عصر پیدایش علم جدید، نخستین چالش عمده علم با دین، از موفقیت‌های چشم‌گیر روش‌های علمی ناشی می‌شود.

علم و دین از مسائل چندتباری است؛ فیلسوف دین به مطالعه نسبت بین معرفت دینی و معرفت تجربی علاقه‌مند است و فیلسوف علم نیز با همین علاقه در پرتو بررسی این نسبت به تبیین ساختار منطقی گزاره‌های علمی می‌پردازد. آنچه رویکرد متکلم را به مسئله علم و دین شکل می‌دهد، اهداف ترویجی و آموزشی اوست. فرآورده‌های علمی یا ابزارهای جدیدی در اختیار وی قرار می‌دهد و یا شبهات نوینی را به میان می‌آورد. غالب متألهان به همین دلیل مواجهه دوگانه‌ای با علم داشته‌اند. مسئله علم و دین در کلام جدید به قدری

اهمیت دارد که برخی از محققین نسبت بین معرفت تجربی (علم) با تعالیم دینی (دین) را به لحاظ تاریخی سرآغاز مسائل جدید کلامی می‌دانند. درست است که علم جدید در خاک الهیات مسیحی رشد و نمو پیدا کرد و به تبع آن، رابطه میان علم و دین (یا ایمان مسیحی) در غرب و به‌ویژه از آغاز رشد زیست‌شناسی پدیدار گشت. اما بعد از مدتی این مسئله به سایر فرهنگ‌ها (و از جمله فرهنگ اسلامی ما) هم کشیده شد و چالش‌هایی را برانگیخت. و لذا بر متکلم اسلامی است که راه‌کار مناسبی را برای حل تعارض آن دو تبیین کند. یکی از مسائل بحث‌انگیز در روزگار ما، بحث «قلمرو دین» و انتظار بشر از آن است. این مسئله به شکل امروزی آن گر چه زائیده عصر جدید (مدرنیته) است ولی چندی است که در کشور ما هم بر سر زبان‌ها افتاده و سؤالات و چالش‌هایی را در حوزه دین و دینداری پدید آورده است.

۱.۴. بحث قلمرو دین با مسئله انتظار بشر از دین یا همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. در هر دو مسئله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که دین به بیان چه اموری می‌پردازد. یعنی دین پاسخ‌گوی کدام یک از خواسته‌ها و نیازهای بشری است. البته در بحث انتظار بشر از دین، سؤال به این صورت مطرح است که آدمی از دین چه انتظاری باید داشته باشد؟ اما، در بحث از قلمرو دین با رجوع به دین به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که دین در چه زمینه‌هایی دخالت کرده است و آیا حوزه دخالت آن موسع است یا محدود و مضیق. در پاسخ به سؤال فوق، روش‌ها و رویافت‌های مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱.۵. یکی از موضوعات مطرح در ساخت فرهنگ دینی و در فضای فرهنگی کشور ما که در ادبیات روشن‌فکری جایگاه خاصی دارد «قرائت‌پذیری دین» یا «قرائت‌پذیری متن دینی» است. امروزه این موضوع معرکه آراء و مورد نفی و اثبات‌های متفاوت شده است. و البته منظور نواندیشان دینی از اختلاف‌قرائت‌ها، در واقع اختلاف کلی (در مقابل اختلاف جزئی) قرائت‌ها است. این مسئله، گر چه ریشه در هرمنوتیک فلسفی (گادامر) و ساخت‌شکنی (دریدا) دارد و کسانی که در ایران از اختلاف قرائت‌ها دفاع کرده‌اند از هرمنوتیک فلسفی الگو گرفته‌اند و مباحث گادامر را مدنظر داشته‌اند؛ امام‌عمولادیل مباحث هرمنوتیکی از قرائت‌پذیری متن دینی هم بحث می‌شود. ولی جا دارد که به عنوان موضوع مستقلی در کنار دیگر مباحث کلامی بحث و بررسی شود. اینجاست که مباحثی همچون ذاتی و عرضی متن، تعیین و عدم تعیین معنا، منطقی و معیار فهم متون دینی، اختلاف نظر فقها در احکام شرعی و جز آن مطرح می‌شود.

۱.۶. یکی دیگر از موضوعات بسیار مهم روزگار ما «تجدد» (مدرنیته) و نسبت آن با دین است که اندیشمندان دینی و غیردینی را به خود مشغول کرده است. و بر متکلم مسلمان است که دیدگاه دین اسلام را در برابر این مسئله مهم تبیین کند؛ چرا که، همان‌گونه که هورستن گفته، تقریباً تمامی الهیات به نحوی، مستقیم یا غیرمستقیم، در باب مدرنیته موضع می‌گیرد و ناگزیر از این موضع‌گیری است. مثلاً،

کلام جدیدی که در کشور ما تأسیس شده است، تعبیر صحیحی نیست؛ چرا که اساساً تلقی وحی و نظام معرفتی مبتنی بر آن نزد متألهان مسیحی با معارف مبتنی بر وحی نزد متکلمان مسلمان متفاوت اند و این تفاوت، گوناگونی در روش، مبانی و پاسخ‌ها را به میان می‌آورد که بهتر بود تذکر داده شود.

در فصل دوم بهتر بود معنا و مفهوم ایمان در مسیحیت و همچنین رهیافت روشن فکران معاصر ایرانی در باره ایمان نقد شود و نیز به عقل‌گرایی انتقادی و معرفت‌شناختی اصلاح شده اشاره‌ای شود.

در فصل چهارم از تفسیرهای غیرساختاری زبان دینی مانند نظریه ابراز احساسات، نظریه نمادین بودن، اسطوره‌ای بودن و تفسیر شاعری و آیینی سخن به میان نیامده است.

از دیگر براهین اثبات وجود خدا، برهان فطرت، برهان از راه احتمالات و برهان معجزه است که در فصل هشت اشاره‌ای به آنها نشده است. در باره برهان مورد بحث باید گفت که بسیاری از مقدمات این برهان (مانند اصل تسلسل و علیت) مورد سؤال قرار گرفته است که لازم است به آنها جواب داده شود.

در آغاز فصل نهم مطالبی درباره ذات‌گرایی و ساخت‌گرایی به چشم می‌خورد. اما، مشخص نشده است که کدام یک ذات‌گرایی و کدام یک ساخت‌گرایی است. همچنین علل و عوامل ظهور تجربه‌گرایی دینی، گویانگاری تجربه دینی، ابعاد مختلف تجربه دینی، حجیت معرفت‌شناختی و مهم‌تر از اینها، جایگاه تجربه دینی در تعلیمات اسلام و اینکه چرا برخی از روشن فکران از رویکردهای مختلف تجربه دینی دفاع کرده‌اند، از جمله مباحث مهم مربوط به تجربه دینی هستند که مورد غفلت واقع شده‌اند. نویسنده در باب ماهیت تجربه دینی، چهار دیدگاه ذکر می‌کند: دیدگاه شلایرماخر و پیروانش، دیدگاه آستون و دیدگاه پراودفوت. اما مشخص نمی‌کند که دیدگاه چهارم از آن کیست. البته آنجا هم سخنی از پراودفوت به میان آورده است. ولی سؤال این است که پراودفوت به دو نظریه در باره هر سرشت تجربه دینی قائل است؟ اگر نه، پس قائل دیدگاه چهارم کیست و منبع آن کجاست؟ علاوه بر این که، معمولاً در کتاب‌های فلسفه دین سه نظریه در باره ماهیت آن ذکر می‌شود.

دیدیم که فصل یازده کتاب به مسئله شر اختصاص یافته است. به گفته برخی فیلسوفان دین، این مسئله عمده‌ترین اشکالی است که در فلسفه غرب و شرق بر علیه خدا باوری شده است. باید توجه داشت که مسئله شر دو تقریر متفاوت دارد: تقریر قیاسی یا منطقی (مکی، فلو) و تقریر احتمالاتی یا استقرایی (مارتین، ویلیام‌رو، سالمون و غیره) و بنا به گفته چارلز تالیافرو امروزه از تقریر قیاس مسئله شر کمتر بحث می‌شود. آنچه که در کتاب بحث و بررسی شده است تقریر قیاس شر (روایت جی. ال. مکی) است و اشاره‌ای به تقریر دیگر آن نشده است. این نکته را هم باید در نظر داشت که در مقابل اشکال گوناگون مسئله شر، انواع گوناگون پاسخ‌های دین دارانه وجود دارد. «دفاعیه» برای نشان دادن عدم توفیق خاص از مسئله شر طراحی می‌شود، اما «نظریه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که جامعه اسلامی با آن مواجه است، موضوع اسلام و علوم مدرن همراه با نتیجه و حاصل آن؛ یعنی تکنولوژی مدرن است، و به قول نصر تقریباً تمامی دایره فعالیت اندیشمندان و روشن فکری اسلامی از قرن گذشته تا به حال را معطوف به خود ساخته است.

روشن فکران معاصر ایرانی با گرایش‌های مختلفی نسبت به این پدیده واکنش نشان داده‌اند؛ برخی مدرنیته را به عنوان یک کل به چالش می‌گیرند، برخی دیگر، به نحوی نظام‌مند مبانی مدرنیته را می‌پذیرند (سروش)، و برخی هم نگاهی انتقادی به آن می‌افکنند (شریعتی). سنت‌گرایان (شوان، گنون، نصر و...) عیب‌های مشخص غرب متجدد را اصالت عقل استدلالی، ماده‌گرایی، احساسات‌گرایی، سیطره کمیت، بحران محیط زیست، علم‌زدگی برمی‌شمارند، پست مدرنیست‌ها مانند (هیدگر، نیچه، هربرت مارکوزه) جوهر مدرنیته را خود بنیاد اندیشی بشر، نیست‌انگاری و سیطره خردگرایی تکنولوژیک معرفی می‌کنند، پروتستان‌ها با مدرنیته همسازتر و همخوان‌ترند. اما تجددگرایی از منظر کاتولیک‌ها جریان‌ی است که حقیقت ابدی را نسبی می‌انگارد و فرجام آن پوچ‌گرایی، انسان‌گرایی و کافر کیشی نوین است و...

حال باید دید پاسخ متفکر و متکلمی مسلمان به نسبت دین و تجدد چیست؟ آیا سنت و مدرنیته جمع‌پذیراند؟ آیا دین‌دار متجدد، مفهومی متناقض‌نما (پارادوکسیکال) نیست؟ نقش دین در فرهنگ و تمدن بشری چیست؟ هنر دینی چیست و چه شرایط و موانعی دارد؟ این‌گونه سؤالات و مسائلی همچون نسبت دین و آزادی، حقوق زن، دموکراسی، علم دینی، جایگاه دین در جامعه مدنی و جز آن مسائلی هستند که متکلم معاصر با آنها مواجه است.

با توجه به توضیح بالا، اهمیت و جایگاه مباحث علم و دین، هرمنوتیک، قلمرو دین، انتظار بشر از دین، دین و تجدد و قرائت‌پذیری دین روشن شد و جا داشت که نویسنده محترم این مباحث را در کنار دیگر مباحث کتاب به بحث و بررسی بگذارد و یا با حذف فصل‌هایی که قبلاً به صورت کتاب و یاد نشریه به چاپ رسیده بودند، جایگزین آنها کند. و البته موضوعات پیشنهادی نسبت به برخی از آنها (مانند بحث خدا و تجربه دینی و دین و اخلاق) در فرهنگ ماهیت بیشتری دارند. و همچنین منظور از طرح مباحث فوق، بررسی تمام جوانب آنها نیست که این خود نوشتن کتاب‌های مستقلی را می‌طلبد، بلکه به همان اندازه‌ای که از سایر موضوعات کلامی بحث شده است به این مباحث هم پرداخته می‌شد.

۲. در برخی فصول، کاستی‌هایی به نظر می‌رسد که جبران آنها موجب افزایش جذابیت کتاب می‌شود، از جمله این که: در فصل اول به تلقی‌های افراطی و تفریطی از ماهیت کلام جدید اشاره شده است اما بهتر بود که ادله هر یک از طرفین ولو به صورت اجمالی نقد و بررسی شود و دیدگاه نویسنده به صورت روشن بیان شود. همچنین تعبیر «الهیات جدید» (که از شاخه‌های الهیات مسیحی است) درباره



روشن نیست و نویسنده ادله انحصارگرایان را هم نقد می‌کند. سؤال این است که موضع نویسنده انحصارگرایی است یا شمول‌گرایی؟ و ادله آن چیست؟

درباره پلورالیسم هم بهتر است ادله درون دینی که به نفع پلورالیسم ساخته و پرداخته شده است، نقد و بررسی شود. و همچنین وحدت‌گرایی (به‌خاطر این که برخی از متفکران مسلمان چنین دیدگاهی دارند) مورد ارزیابی قرار بگیرد. و استناداتی که در رابطه با وحدت‌گرایی و پلورالیسم شده‌است، قابل تأمل است.

۳. همان‌گونه که در ابتدای نوشتار گفته شد، وجود پاره‌ای ملاحظات تطبیقی یکی از محسنات کتاب است و هر قدر این‌گونه تطبیقات بیشتر باشد برجذایی آن افزوده می‌شود. مقایسه ایمان‌گرایی مسیحی با اخیری‌گری و اهل‌الحديث (اشعری، ابن‌حنبل و ابن‌تیمیه) سخنان مولوی، غزالی و عقل‌گرایی حداکثری یا معتزله، فخر رازی و... تطبیق و مقایسه تجربه دینی با کشف و شهودی که عرفا به آن قائل اند. به‌عنوان نمونه، ماوردس در کتاب باور به خدا از تجربه دینی‌ای بحث کرده که به واسطه داده‌های حسی متحقق می‌شود، ملاصدرا هم در مفاتیح‌الغیب سخنی دارد که بسیار نزدیک به دیدگاه ماوردس است، وی می‌گوید مراد من از مکاشفه صوری چیزی است که به واسطه حواس پنج‌گانه در عالم مثال برای نفس حاصل می‌شود. در خصوص منابع کتاب همچنان که قبلاً هم گفته شد یکی از امتیازات آن استفاده از منابع دست اول است. اما از آنجا که اکثر مباحث جدید کلامی وارداتی و زاییده دنیای مغرب زمین است و برخی از ترجمه‌هایی که در این زمینه شده است غیرقابل اعتمادند؛ علاوه بر این مؤلف محترم هم دستی در ترجمه دارد و به منابع و مآخذ اولیه کتاب‌های فلسفی و کلامی آشنایی خوبی دارد، بهتر بود که به این مقدار از منابعی که در کتاب آمده است بسنده‌نمی‌شد و از سایر کتب مهم فلسفه دین و الهیات استفاده کافی می‌شد.

#### کتاب‌شناسی گزیده

- چارلز تالیافرو، فلسفه دین در قرن بیستم، ترجمه انشاءالله رحمتی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- الوین پلانتینگا و دیگران، جستارهایی در فلسفه دین، ترجمه مرتضی فتحي‌زاده، انتشارات اشراق.
- سید حسین نصر، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میانداری، مؤسسه طه
- سیدحسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر دانشگاهی.
- نایجل واربرتون، بنیان‌های فلسفه، ترجمه علی حقی، انتشارات اهل قلم.
- کارل گوستاو یونگ، روان‌شناسی و دین، ترجمه فواد روحانی،

عدل الهی» تلاشی است در جهت پاسخی صادق و معقول به این پرسش که «چرا خدا وجود شر را مجاز می‌دارد؟».

علاوه بر پاسخ‌های ارائه شده در کتاب، پاسخ‌های دیگری که به معضل شر داده شده است، عبارت‌اند از: دفاع مبتنی بر اختیار، تمثیل هنری، استدلال از راه معجزات، تنبیهی بودن شر، بهترین جهان ممکن، نظریه مبتنی بر هماهنگی نهایی، توهمی بودن شر، تبیین مبتنی بر قانون طبیعی، اقلی بودن شر، تهذیب و پرورش روح، نظریه عدل الهی اگوستینی، و...

نویسنده محترم در فصل چهاردهم - دیدگاه زمینی و دیدگاه آسمانی وحی را مطرح کرده و تجربه‌گرایی وحی را به‌عنوان دیدگاه زمینی وحی معرفی می‌کند. حال سؤال این است که مدل‌های دیگری که از وحی عرضه شده است؛ مانند مدل مبتنی بر علیت و وحی گفتاری در کدام یک از دو قسم فوق‌جای می‌گیرند و چه نقدهایی متوجه آنهاست؟ نویسنده در صفحه ۲۴۶، به نکته مهمی درباره ساختارگرایی، که مورد پذیرش اغلب تحلیل‌گران دین و وحی بر مبنای زمینی و طبیعی است، اشاره کرده و گفته است که بر مبنای ساختارگرایی باید میان وحی و تجربه عرفانی تمایز نهاد. اما همه کسانی که از تجربه دینی بودن وحی دفاع می‌کنند، ساختارگرا نیستند. مثلاً، اقبال لاهوری ذات‌گراست و لذا تباینی بین تجربه پیامبر و عارف نمی‌بیند و معتقد است که بین تجارب پیامبر و عارف هسته مشترکی وجود دارد. چرا که پس از این که سخن عبدالقدوس گنگوهی را نقل می‌کند، می‌گوید «شاید در سراسر ادبیات صوفیانه نتوان چند کلمه معدود را پیدا کرد که در یک جمله، اختلاف روان‌شناختی میان دو نوع خودآگاهی پیغمبرانه و صوفیانه را به این خوبی آشکار سازد.» سخن مزبور به این معناست که تجربه وحیانی پیامبر با تجربه عارف تفاوت گوهری ندارد، بلکه تفاوت‌شان در امور عرضی است که پیامبر پس از تجربه به میان امت برمی‌گردد، ولی عارف ترجیح می‌دهد که در همان حال باقی بماند. بر این مبنا تفاوتی بین وحی و تجربه عرفانی نیست. نکته مهم دیگری که در باره وحی تجربی وجود دارد (علاوه بر تفاوت‌هایی که با تجربه عارفان دارد)، پیامدها و نتایجی است که در ضمن خود دارد. مانند نفی سرشت زبانی وحی، انکار عصمت پیامبر، بسط‌پذیری وحی، نفی جاودانگی، جامعیت و جهان‌شمولی دین اسلام، شریعت‌زدایی و نفی جامعیت فقه، سکولاریزم و...

در نقد و بررسی طبیعت‌گرایی، علاوه بر نقدهای جان‌هیک، اشکالات خوبی از طرف برخی جامعه‌شناسان دین، روان‌شناسان دین و فیلسوفان دین (مانند، همیلتون، یونگ، آستون و غیره) گرفته شده است که بهتر است به آنها هم توجه شود. تقریری هم که از دیدگاه فروید شده است، یکی از تقریرهای سه‌گانه‌ای است که فروید در باره دین و منشأ آن بیان کرده است یک تقریر این است که منشأ دین «توتمیسم» است و تقریر دیگر این است که دین ریشه در «غریزه جنسی آدمی» دارد.

در بحث انحصارگرایی دینی، موضع نویسنده به خوبی شفاف و



شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد تراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو.  
- زیگموند فروید، توتم و تابو، ترجمه محمدعلی خنجی، کتابخانه طهوری.

- جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، انتشارات الهدی.  
- ملکم همپلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات تبیان.

ای.سی.گری لینگ و دیگران، نگرش‌های نوین در فلسفه، ترجمه یوسف دانشور و...، انتشارات اشراق.

- آستون و دیگران، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه غلام حسین توکلی، دفتر تبلیغات اسلامی.

- استیون دار وال و دیگران، نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم، ترجمه مصطفی ملکیان، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

- توشی هیکو ایزوتسو، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، انتشارات سروش.

- دان استیور، فلسفه زبان دینی، ترجمه حسین نوروزی، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.

- جمیزال - پروتی، پرسش از خدا در تفکر مارتین هیدگر، ترجمه محمدرضا جوزی، نشر ساقی.

- ریچارد سوئین جرن، آیا خدایی هست؟، ترجمه محمد جاودان، دانشگاه مفید.

- دیویدری گریفین، خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، آفتاب توسعه.

- رضا داوری اردکانی، درباره غرب، نشر هرمس.  
- همو، فلسفه در بحران، انتشارات امیرکبیر.

- محمود خاتمی، جهان در اندیشه هیدگر، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- دین و دنیای معاصر، زیرنظر سیدامیر اکرمی، ترجمه حسین مطیعی امین، انتشارات الهدی.

- عبدا... القروی، اسلام و مدرنیته، ترجمه امیر رضایی، نشر قصیده سرا.

- عبدالکریم سروش، فربه تراز ایدئولوژی، مؤسسه صراط.  
- همو، تفرج صنع، مؤسسه صراط

- شهریار زرشناس، مبانی نظری غرب مدرن، کتاب صبح.  
- مسعود پدram، روشنفکران دینی و مدرنیته، گام نو.

- علی‌رضا قائمی‌نیا، وحی و افعال گفتاری، انجمن معارف.  
- همو، تجربه دینی و گوهر دین، بوستان کتاب قم.

- احد فرامرزی فراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- همو، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه رضوی مشهد.  
- محمد محمدرضایی و دیگران، جستارهایی در کلام جدید،

انتشارات اشراق.

- امیرعباس علی زمانی، زبان دین، دفتر تبلیغاتی اسلامی.  
- همو، تأملاتی درباره رابطه علم و دین در مغرب زمین، انجمن معارف.

- احمد واعظی، در آمدی بر هرمنوتیک، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- عبدالله نصری، انتظار بشر از دین، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

کتاب سروش (مجموعه مقالات غرب و غرب‌شناسی)، انتشارات سروش.

- احمدحسین شریفی و حسن یوسفیان، خردورزی و دین‌باوری، کانون اندیشه جوان.

- عبدالله جوادی آملی، فلسفه دین: تبیین براهین اثبات خدا، مرکز نشر اسراء.

- محمدتقی فعال، ایمان و چالش‌های معاصر، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

- اقبال لاهوری، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.

- محمد لگنهاوزن، رابطه میان فلسفه و الهیات در دوران پسامدرن، ترجمه غلامحسین توکل، نقد و نظر ش ۹.

- پس. هورستن، ارزیابی کلامی مدرنیته، ترجمه سایه میثمی، نقد و نظر ش ۱۹ و ۲۰.

- فلیکس ماکادو، تجددگرایی از منظر الهیات، دیدگاه آسیایی، ترجمه سیدمحمود موسوی، نقد و نظر ش ۱۹ و ۲۰.

- فریتیوف شوان، میان شرق و غرب، ترجمه فروزان راسخی، نقد و نظر ش ۱۷ و ۱۸.

- الئونورا بار بیرری ماسینی، تجدد و تجددگرایی، لوازم جامعه‌شناسانه آن برای دین، ترجمه امیر اکرمی، نقد و نظر ش ۱۷ و ۱۸.

- شهرام پازوکی و دیگران، کلیاتی درباره اسلام و مدرنیسم (گفت و گو)، سروش اندیشه، ش ۳-۴.

- ولی‌الله‌عباسی، لوازم و پیامدهای نظریه تجربه‌گرایی و وحی، قیسات، ش ۲۶.

- ولی‌الله‌عباسی، اندیشه دینی و قرآنت‌پذیری دینی، کتاب نقد، ش ۲۳.

- همو، قلمرو دین و انتظار بشر از آن، اندیشه صادق، ش ۶-۷.  
- ملویل وای. استوارت، فلسفه دین، برگزیده‌ای از دیدگاه‌های

معاصر، ترجمه مهدی ذاکری، حوزه و دانشگاه، ش ۱۶-۱۷.  
- ادوارد ویرنگا، فلسفه دین، ترجمه علی حقی، اندیشه حوزه،

ش ۳۵-۳۶.  
- ویلیام آستون، تاریخ فلسفه دین، ترجمه علی حقی، اندیشه

حوزه، ش ۳۵-۳۶.